

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳: ۱۸۱-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

مطالعه سبک‌شناختی وجه‌نمایی در گلستان سعدی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند

احمد تمیم‌داری*

نیره صدری**

چکیده

بخش اعظم گلستان سعدی در نوع ادبی تعلیمی از گونه اخلاقی است. اشتغال آثار تعلیمی بر بایدها و نبایدهای اخلاقی و ارتباط آن با مفهوم اجبار می‌تواند موجب ایجاد لحنی صریح و آمرانه در سخن و در پی آن، سبب انزجار مخاطب و بی‌تأثیر ماندن کلام بر او گردد. این مقاله می‌کوشد تا در محدوده مقوله دستوری وجه‌نمایی، در چارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند و به عنوان مطالعه‌ای سبک‌شناختی، به این پرسش پاسخ دهد که سعدی در گلستان، در تبیین مضامین تعلیمی از چه شگردهایی بهره جسته است که سخنش نه تنها ملال‌انگیز نیست، بلکه در طول تاریخ، موفق به جلب مخاطبان بی‌شماری شده است. در این پژوهش، پس از بیان مسئله، مرور پیشینه مطالعات وجه‌نمایی در ایران و معرفی مختصر سبک‌شناسی نقش‌گرا، به توصیف مقوله وجه‌نمایی از دیدگاه هلیدی پرداخته‌ایم. پس از آن، نمونه‌هایی از تجزیه و تحلیل سبک‌شناختی که در چند متن گزینش شده از گلستان بر اساس متغیر وجه‌نمایی صورت گرفته است، به همراه نمودار آمار داده‌ها ارائه شده و سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها آمده است و در پایان نیز نتایج و یافته‌های تحقیق ذکر شده است. نتایج آماری این پژوهش حاکی از آن است که در گلستان، در تبیین مضامین تعلیمی، امکاناتی از حوزه

* نویسنده مسئول: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی a_tamindari@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی n.sadri1980@gmail.com

۱۴۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

وجه‌نمایی به کار رفته است که در عین حفظ صبغه تعلیمی سخن، کلام را غیر مستقیم می‌سازند و از میزان صراحت بیان می‌کاهند و بر ملایمت لحن سخن و در نتیجه بر تأثیرگذاری آن می‌افزایند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی، وجه‌نمایی، اجبار، دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و گلستان سعدی.

مقدمه

بخش اعظم گلستان سعدی در نوع ادبی تعلیمی^۱ از گونه اخلاقی نگارش یافته است. اشتغال آثار تعلیمی بر مواظ و نصایح، بایدها و نبایدها و اوامر و نواهی اخلاقی و ارتباط این مفاهیم با مفهوم اجبار می‌تواند موجب ایجاد لحنی صریح، تحکم‌آمیز و آمرانه در سخن و در پی آن، سبب ملالت و انزجار مخاطب و بی‌تأثیر ماندن کلام بر او گردد. در این صورت، هدف ادبیات تعلیمی که همانا تأثیرگذاری بر مخاطب و برانگیختن او به رعایت موازین اخلاقی است، محقق نمی‌شود. این مقاله می‌کوشد تا در محدوده مقوله دستوری وجه‌نمایی^۲، در چارچوب رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند^۳ مایکل هلیدی^۴ و به‌عنوان مطالعه‌ای سبک‌شناختی، به این پرسش پاسخ دهد که سعدی در گلستان، از چه شیوه‌ها و سازوکارهایی برای طرح بایدها و نبایدهای اخلاقی و عرضه پند و اندرز بهره‌جسته است که سخنش نه تنها ملال‌انگیز نیست، بلکه در طول تاریخ موفق به جلب مخاطبان بی‌شماری شده است. چارچوب هلیدی به این دلیل برای این پژوهش برگزیده شده که مقوله وجه‌نمایی را در قلمرو روابط بینافردی بررسی کرده است. این پژوهش ماهیتی توصیفی و در زمانی دارد.

عمر مطالعات وجه‌نمایی در غرب به چند دهه اخیر بازمی‌گردد. اما در طی این چند دهه، هر روز بر تعداد پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام می‌شود، افزوده شده و این امر حاکی از اهمیت این مبحث است. تا پیش از این مطالعات، در دستور سنتی غربی از میان همه تظاهرات زبانی وجه‌نمایی، تنها وجه فعل مورد مطالعه قرار می‌گرفته است (مرادی، ۱۳۹۱: ۳). در ایران، دستورنویسان و زبان‌شناسان، به‌جز در چند سال اخیر، مبنای و چارچوب نظری معینی برای مطالعه مقوله وجه‌نمایی نداشته‌اند و برای اغلب آنها نیز از میان سازوکارهای بیان مفاهیم وجهی، تنها وجه فعل شناخته‌شده و مطرح بوده است. یکی از معدود پژوهش‌های دقیق مربوط به وجه‌نمایی در زبان فارسی که بر مبنای نظریات زبان‌شناختی صورت گرفته است، مقاله «اخلاقی» (۱۳۸۶) است. اخلاقی به

-
1. Didactic literature
 2. Modality
 3. Systemic functional grammar
 4. Michael_Alexander_Kirkwood_Halliday

۱۴۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

مطالعه افعال کمکی وجهی فارسی معاصر، یعنی «بایستن»، «شدن» و «توانستن» در چارچوب نظری پالم^۱ پرداخته است. پژوهش زبان‌شناختی دیگر مربوط به وجه‌نمایی، رساله مرادی (۱۳۹۱) است. وی با رویکردی نحوی - معنایی به مطالعه مقوله وجه‌نمایی در زبان کردی سورانی پرداخته است. مبنای نظری او در بخش تحلیل معنایی، نظریه پالم^۲ (۲۰۰۱) و کراتزر^۳ (۱۹۷۷) و در بخش تحلیل نحوی، نظریه صرف گسسته است. پژوهشگر در این اثر، از زوایای مختلفی به این موضوع پرداخته است و با توجه به اینکه زبان کردی از خانواده زبان‌های ایرانی است، یافته‌های این رساله برای زبان فارسی نیز قابل استفاده یا قابل طرح است. اما در زمینه وجه‌نمایی در حوزه ادبیات فارسی، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است.

سبک‌شناسی نقش‌گرا

سبک‌شناسی نقش‌گرا که مبتنی بر رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گراست، به تناسب شعب گوناگونی که در این رویکرد زبان‌شناختی وجود دارد (نجفی، ۱۳۸۸: ۱۶)، می‌تواند گونه‌های متنوعی داشته باشد. گونه مورد نظر این پژوهش، سبک‌شناسی مبتنی بر زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند مایکل هلیدی است. در نظریه هلیدی، ادبیات همچون سخن علمی، یکی از زانرهای زبانی است و از همان امکانات و منابع خلق معنای موجود در سطوح مختلف نظام زبان بهره می‌گیرد (فتوحی، ۱۳۹۱: ۶۸). از این‌رو در رویکرد او، در تحلیل و بررسی سبک‌شناختی آثار ادبی از همان شیوه مطالعه و تحلیل عمومی زبان که به تجزیه و تحلیل زبان‌شناختی^۳ موسوم است، استفاده می‌شود. در این شیوه که در آن، هیچ تفاوتی در نحوه رویارویی با متن ادبی و انواع دیگر متون وجود ندارد، متون چه ادبی و چه غیر ادبی در چارچوب نظام‌های سازنده زبان، یعنی نظام‌های معنایی، دستوری، آوایی و نظام نوشتاری تحلیل می‌شود (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۸۲).

در دیدگاه هلیدی، آن مختصاتی از متن ادبی، سبکی است که در تحقق هدف نهایی متن سهیم باشد. از این‌رو در سبک‌شناسی نقش‌گرا، نقش‌های برجسته زبان در اثر ادبی

1. Palmer
2. Kratzer
3. Linguistic analysis

(شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۶۲)، نقش هنری و اجتماعی اثر ادبی و نقشی که عناصر و الگوهای زبانی به کار رفته در اثر ادبی در تحقق هدف نهایی آن دارند، بررسی می‌شود (Hasan, 1989: 5).

وجه‌نمایی و نقش‌های گفتاری

در نظریه هلیدی، برای زبان سه نقش اصلی تشخیص داده می‌شود که در لایه معنایی زبان قرار دارند. هر یک از امکانات زبانی در سطح معنایی، به یکی از این سه نقش مربوطند و در یکی از لایه‌های نظام واژی- دستوری^۱ بازنمایی می‌شوند. از این دیدگاه، وجه‌نمایی مقوله‌ای زبانی است که به نقش ارتباطی و اصطلاحاً بینافردی^۲ زبان مربوط است و در سطح واژگان- دستور، در ساحت نظام وجه^۳ که تظاهر دستوری این نقش زبان است بازنمایی می‌گردد (Halliday & Matthiessen, 2004: 26). مقوله وجه‌نمایی در این رویکرد، با مقوله نقش‌های گفتاری^۴ که در لایه معنایی زبان قرار دارند، در ارتباط است (همان: ۶۱۸). بنابراین برای تشریح این مقوله، ابتدا به توصیف نقش‌های گفتاری می‌پردازیم.

در فرآیند بینافردی، بند^(۱) به عنوان یک حادثه تعاملی که مشتمل بر گوینده/نویسنده و مخاطب است، سازمان‌دهی می‌گردد. در یک ارتباط زبانی، گوینده نقش گفتاری خاصی نظیر پرسش‌گر یا پاسخ‌گو برای خود برمی‌گزیند و نقش یا نقش‌های مکملی به مخاطب وامی‌گذارد (Halliday, 1984: 41). اصلی‌ترین نقش‌های گفتاری که تقریباً در ژرف‌ساخت همه نقش‌های گفتاری دیگر قرار دارد، عبارت است از دادن و خواستن. پس می‌توان ارتباط زبانی را یک تعامل و تبادل نامید. شیء مورد مبادله در این تبادل، یا اطلاعات است و یا کالا و خدمات. اگر این شیء اطلاعات باشد، نقش دادن از طریق خبر و نقش خواستن به وسیله پرسش محقق می‌گردد. به همین ترتیب اگر شیء مورد مبادله، کالا و خدمات باشد، نقش دادن در قالب پیشنهاد و نقش خواستن در قالب درخواست تحقق می‌پذیرد. بر این اساس، چهار نقش گفتاری اصلی

1. Lexical-grammatical
2. Interpersonal metafunction
3. MOOD system
4. Speech functions

خواهیم داشت که عبارتند از خبردهی، پرسش‌گری، پیشنهاد و درخواست. این نقش‌های گفتاری در لایه واژی- دستوری زبان در قالب بند بازنمایی می‌گردند. به‌طور معمول، نقش گفتاری اخبار در قالب بند خبری، نقش گفتاری پرسش در قالب بند پرسشی و نقش گفتاری درخواست در قالب بند امری تظاهر دستوری می‌یابد. نقش گفتاری پیشنهاد ساختار خاصی ندارد و از طریق دیگر انواع بند بیان می‌شود. در واقع می‌توان گفت که در نقش‌های گفتاری اخبار و پرسش از آنجا که مقصود از آنها انتقال اطلاعات است و اطلاعات هیچ موجودیتی جز در قالب زبان ندارد، زبان در تحقق آنها نقش اساسی دارد. به همین دلیل، تظاهرات زبانی این دو نقش، دستور تعریف‌شده و روشنی دارد و ساختارهای زبانی معینی به بیان آنها اختصاص یافته است. در مقابل، در تحقق پیشنهاد و درخواست که هدف از آنها تبادل کالا و خدمات است، وظیفه اصلی بر عهده کنش غیر زبانی است و زبان در کنار آن، نقش ثانویه بازی می‌کند. در نتیجه زبان‌ها به‌طور عمومی، منابع دستوری مربوط به این نقش‌های گفتاری را چندان تکامل نبخشیده‌اند و ساختارهای ویژه‌ای را برای بازنمایی آنها طراحی نکرده‌اند، به‌گونه‌ای که تنها نقش گفتاری صدور فرمان یا امر که یکی از مصادیق درخواست کالا و خدمات است، ساختاری معین دارد؛ ساختاری که به بند امری موسوم است (Halliday & Matthiessen, 2004: 106-110).

هلیدی، هر ساختاری را در سطح بند - البته، بندهای مهین مستقل - که به طور ویژه برای بیان و تبلور دستوری یکی از نقش‌های گفتاری اصلی اختصاص یافته، وجه نامیده است. بر این اساس، زبان دارای سه وجه است: خبری^۱، پرسشی^۲ و امری^۳. در درجه بعد، او دو وجه بند خبری و پرسشی را به همراه بندهای تعجبی^۴ از آن جهت که همگی برای تبادل اطلاعات به کار می‌روند، در یک دسته قرار داده و آن را وجه اخباری^۵ نامیده است^(۲). و بندهای امری را که بر درخواست کالا و خدمات دلالت می‌کنند، ذیل وجه امری طبقه‌بندی کرده و بدین ترتیب برای بند قائل به وجود دو وجه اصلی شده است.

-
1. Declarative
 2. Interrogative
 3. Imperative
 4. Exclamative
 5. Indicative

هر یک از وجوه بند بسته به مقتضیات بافتی و گفتمانی مانند رعایت ادب و تأثیرگذاری می‌توانند نقش‌های گفتاری دیگری را به جز آنچه به آن اختصاص یافته است نیز غیر مستقیم بازنمایی کنند. از سوی دیگر، هر نقش گفتاری اصلی یا فرعی نیز می‌تواند از طریق چند وجه بیان شود و از این‌رو بین این دو مقوله، تناظر چند به چند برقرار است (Eggins, 2004: 144-48). مانند نمونه‌های زیر:

- خدایا به من کمک کن! (بند امری/دعا)
- تو باید درس بخوانی. (بند خبری/امر)
- میشه پنجره را باز کنید؟ (بند پرسشی/خواهش)
- دوست داری در ویرایش مقاله‌ات کمکت کنم؟ (پرسشی/پیشنهاد)
- هر کتابی خواستی، از کتاب‌خانه‌ام بردار. (امری/پیشنهاد)

مفهوم وجه‌نمایی

وجه‌نمایی از نظر هلیدی، مقوله‌ای معنایی- دستوری است که بر نگرش و دیدگاه گوینده نسبت به محتوای بند بیان‌شده به لحاظ‌هایی همچون احتمال، تداول، اجبار و تمایل دلالت می‌کند و بدین ترتیب میزان تعهد او را به اعتبار^(۳) گزاره و یا نوع درخواست وی برای وقوع کنش مطرح در آن را نشان می‌دهد (Halliday & Matthiessen, 2004: 143-147).

هلیدی وجه‌نمایی را به دو شاخهٔ وابسته‌سازی^۱ و همخوانی^۲ تقسیم می‌کند. وجه‌نمایی وابسته‌سازی، مفاهیم وجهی احتمال^۳ و تداول^۴ را در برمی‌گیرد و وجه‌نمایی همخوانی، مفاهیم وجهی لزوم و اجبار^۵ و تمایل^۶ را شامل می‌شود (همان: ۱۴۷). طبق نظر او، نقش گفتاری ژرف‌ساختی بند، سهم عمده‌ای در گزینش نوع مفاهیم وجهی دارد. بدین ترتیب که مفاهیم احتمال و تداول با بندهای متضمن تبادل اطلاعات در پیوند هستند و مفاهیم وجهی لزوم و اجبار و تمایل به بندهایی که نقش گفتاری ژرف‌ساختی

1. Modalization
2. Modulation
3. Probability
4. Usuality
5. Obligation
6. Inclination

۱۴۸ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳ —————
آنها تبادل کالا و خدمات است، تعلق دارند. زیرا در بندهای دارای معنای تبادل اطلاعات، گوینده از دیدگاه خود درباره احتمال وقوع یک رخداد و وجود یا پذیرش یک حالت و یا از بسامد وقوع آنها سخن می‌گوید؛ اما در بندهای متضمن تبادل کالا و خدمات، حکم یا قضاوت خود را درباره اجبار و تمایل کنشگر در انجام کنش و لزوم انجام شدن یک کنش و یا وقوع یک رخداد اظهار می‌دارد (Halliday & Matthiessen, 2004: 618).

به عقیده هلیدی، وجه‌نمایی همان درجات بینابین دو قطب مثبت و منفی^۱ در هر دو وجه اصلی بند است (همان: ۱۴۷). در هر دو نوع وجه‌نمایی، وجه‌نمایی یا مبین عقیده گوینده است و یا متضمن پرسش از نظر شنونده. هلیدی مفهوم وجه‌نمایی را در ارتباط با متغیرهایی چون نقش‌های گفتاری، انواع وجه‌نمایی، ابزار بیان وجه‌نمایی، تعاملی یا غیر تعاملی بودن منبع حکم و قضاوت و تصریح و عدم تصریح در قضاوت بررسی کرده است.

انواع وجه‌نمایی

وجه‌نمایی وابسته‌سازی

در این شاخه، دو مفهوم وجهی احتمال و تداول بررسی می‌شود. مفهوم وجهی احتمال تقریباً همان است که در معنی‌شناسی فلسفی، وجه‌نمایی برداشتی^۲ خوانده شده است (همان: ۶۱۸). دو مفهوم احتمال و تداول ویژه، وجه اخباری هستند و درجات بینابین دو قطب مثبت و منفی را در بندهای خبری، پرسشی و تعجبی تشکیل می‌دهند^(۴). مفاهیم احتمال و تداول هر یک، روی یک پیوستار عمل می‌کنند. در دو انتهای پیوستار احتمال، دو درجه قطعی مطلق نفی و اثبات قرار دارد و فاصله این دو نقطه را درجات متفاوتی از احتمال اشغال می‌کند. دو سوی پیوستار تداول، گاهی و همیشه است و نقاط میانی، بسامد وقوع در مقیاس زمان را نشان می‌دهد (Halliday, 2003: 145). در بندهای خبری، عقیده گوینده درباره مفاهیم وجهی یادشده مطرح می‌شود و در بندهای پرسشی، عقیده شنونده درباره آنها پرسش می‌شود (همان: ۱۴۷).

- دیروز هوا بارانی بود.

- احتمالاً علی فردا به دانشگاه خواهد رفت.

1. Polarity
2. Epistemic

- شاید من از اینجا بروم.
- مریم گاهی به خانه ما می‌آید.
- من جز برای روشنگری به زمین نمی‌روم و می‌دانم این ابر هیچ‌گاه به کارم نمی‌آید (نظر آهاری، ۱۳۹۱: ۱۶).
- آیا مطمئنید هنگامی که برمی‌گردید، سایه از آب بیرون می‌آید؟ (شمیسا، ۱۳۷۳: ۴۰)

وجه‌نمایی همخوانی

مفاهیم وجهی این دسته، لزوم و اجبار و تمایل است. این دو مفهوم مربوط به بندهای متضمن تبادل کالا و خدمات و به عبارتی بندهای پیشنهادی و درخواستی هستند. اگر نقش گفتاری بند، پیشنهاد باشد، مفهوم وجهی مرتبط با آن، تمایل است و اگر نقش گفتاری بند، درخواست باشد، مفهوم وجهی مربوط به آن، لزوم و اجبار است. به عبارت دیگر، گوینده یا تمایل خود را نسبت به انجام کاری ابراز می‌دارد، یا از تمایل شنونده برای دریافت خدمتی پرسش می‌کند، یا اجباری را بر شنونده یا شخصی دیگر تحمیل می‌کند و یا لزوم، اجبار و ضرورتی را که واضع آن خود او نیست، بلکه اشخاص دیگر یا شرایط، قوانین، عرف و واقعیات موجود هستند، به خود یا دیگری یادآور می‌شود (Halliday & Matthiessen, 2004: 147).

- می‌خواهی در تنظیم برنامه روزانهات کمکت کنم؟ (پرسش از تمایل)
- زودتر از آن مرد، پرسیدم: من می‌خوام خون بدم. کجا باید برم؟ (حسینی، ۱۳۹۲: ۷۸) (ابراز تمایل)
- تو باید در دانشگاه، پزشکی بخوانی. (تحمیل اجبار از سوی گوینده)
- اگر می‌خواهی موفق شوی، باید بیش از گذشته تلاش کنی. (لزوم و اجبار ناشی از قوانین)
- بابا می‌گفت: باید لامپش گرم شود، بعد به کار بیفتد. (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۰)
- (لزوم و اجبار ناشی از قوانین)

۱۵۰ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

مفهوم وجهی اجبار در معنی‌شناسی فلسفی، وجه‌نمایی تکلیفی^۱ نامیده شده است (Halliday & Matthiessen, 2004: 618). هر یک از این دو مفهوم نیز روی یک پیوستار عمل می‌کنند. دو انتهای پیوستار اجبار، امر و نهی است که دو قطب نفی و اثبات مطلق در بندهای متضمن درخواست کالا و خدمات است و نقاط میانی، درجات مختلف اجبار را نشان می‌دهد. پیوستار تمایل نیز شدت و ضعف تمایل را بازنمایی می‌کند (همان: ۱۴۷ و ۶۱۹). این دو مفهوم وجهی می‌توانند هم در بندهای دارای وجه امری مطرح شوند و هم در بندهای دارای وجه اخباری که نقش گفتاری منظور شناختی‌شان درخواست و پیشنهاد است.

- لطفاً پنجره را باز کنید. (بند امری برای خواهش)

- من می‌خوام خون بدم. کجا باید برم؟ (حسینی، ۱۳۹۲: ۷۸) (بند خبری برای پیشنهاد)

- دیگه حالا باید تو خونهٔ این و اون دنبالت بگردم؟ (بند پرسشی برای توبیخ)

- میشه کتابتو برای یه هفته به من امانت بدی؟ (بند پرسشی برای خواهش)

بندهای پیشنهادی و درخواستی معمولاً بر تبادل کالا و خدمات در میان گوینده و شنونده دلالت می‌کنند و از این‌رو محدودیت‌هایی در نظام شخص و شمار دارند. برای نمونه، کمتر با نهاد سوم شخص به کار می‌روند. اینگونه بندها اگر با نهاد سوم شخص همراه شوند، نقش گفتاری آنها به اخبار تغییر جهت می‌دهد و متضمن خبر دربارهٔ وجود اجبار و تمایل خواهند بود. در این صورت می‌توانند نظام شخص و شمار را به‌طور کامل بپذیرند. البته اینگونه بندها در بسیاری از موارد، قدرت بلاغی خود را از دست نمی‌دهند و بسته به شرایط بافتی می‌توانند همچنان تأثیر انگیزشی داشته باشند. برای مثال در بافتی که گوینده، خطاب به شنونده می‌گوید: مریم می‌تواند در این مورد به تو کمک کند. اگر مریم در بافت حضور داشته باشد، این پاره‌گفتار بر او تأثیر انگیزشی خواهد داشت (Halliday & Mathiessen, 2004: 148). از آنجا که اینگونه بندها در اصل خبری هستند، با عناصر وجه‌نمای احتمال و تداول نیز می‌توانند همراه شوند (Halliday & Mathiessen, 2004: 148; Eggins, 2004: 170).

- او احتمالاً فردا باید از اینجا برود.
- در بندهای بیانگر اجبار، چه غلبه با نقش گفتاری درخواست باشد و چه با نقش گفتاری اخبار، اجبار مفهوم وجهی به شمار می‌رود:
- نیروهامون کمن. اینا هم که یکی دو تا نیستن. باید تحمل کنه. (حسینی، ۱۳۹۲: ۷۷) (خبر از اجبار)
- باید امشب بروم (سپهری، ۱۳۸۹: ۱۹۳) (خبر از اجبار)
- اما مفهوم تمایل تنها در صورتی مفهوم وجهی به شمار می‌آید که بند حاوی آن بر پیشنهاد دلالت کند. در غیر این صورت، مفهوم تمایل مطرح در بند، مفهوم وجهی به حساب نمی‌آید.
- من دوست دارم در انجام این کار فرهنگی با شما همراه شوم. (مفهوم وجهی)
- علی مایل است که با انجمن‌های غیر دولتی همکاری داشته باشد. (مفهوم غیر وجهی)
- به عنوان یک قاعده کلی می‌توان گفت که در بند مرکبی که بند پایه آن حاوی مفهوم تمایل و همچنین احتمال است، اگر بار اطلاعی بند روی عبارات متضمن این دو مفهوم باشد، این دو مفهوم، وجهی نیستند و اگر بر مابقی بند باشد، این دو مفهوم، وجهی هستند (Halliday & Mathiessen, 2004:614).

انواع فرعی

- علاوه بر مفاهیمی، هلیدی از مفاهیم وجهی دیگری نیز نام برده است که عبارتند از:
۱. امکان پذیر بودن رخداد یک امر.
- خوردن و خوابیدن چه معنایی دارد؟ خیلی ساده‌تر از اینها می‌شود زندگی کرد؟ (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۰۰)
 ۲. قدرت و یا قابلیت کنشگر در انجام یک کار.
- ما نمی‌تونیم بار زیادی با خودمون ببریم. (همان: ۳۲) (قدرت)
- به نظرم، این جدول نمی‌تواند اطلاعات مورد نظر مرا به طور کامل نمایش دهد. (قابلیت)

۱۵۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳ —————
هلیدی، این مفاهیم وجهی را حاشیه‌ای به حساب آورده و برای آن، دسته و طبقه خاصی در نظر نگرفته است (Halliday & Mathiessen, 2004: 621). اما در نظریه پالممر، این مفاهیم ذیل وجه‌نمایی پویایی^۱ قرار دارد (پالممر، ۲۰۰۱: ۹، به نقل از مرادی، ۱۳۹۱: ۶۴-۶۶). صورت خبری بندهای متضمن این مفاهیم از نظر نقش گفتاری به نمونه نوعی بندهای خبری نزدیک است و برای انتقال اطلاعات به کار می‌رود.

سازوکارهای زبانی بیان وجه‌نمایی

مفاهیم وجهی از طریق برخی از ابزار زبانی که متعلق به نظام واژگان- دستوری وجه هستند، بازنمایی می‌شوند. در فارسی، وجه‌نمایی از طریق این ابزار زبانی بیان می‌گردد: افزوده‌های وجه‌نما، استعاره دستوری، افعال کمکی وجهی و وجه فعل.

افزوده‌های وجه‌نما

از دیدگاه هلیدی، افزوده یکی از عناصر ساختمان‌ی بند است که ظرفیت نهاد واقع شدن را ندارد و نمی‌تواند به جایگاه بینافردی نهاد ارتقا یابد (Halliday & Matthiessen, 2004: 123). افزوده می‌تواند به صورت گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی، گروه اسمی و بند ظاهر شود (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

در رویکرد نقش‌گرا، برای هر یک از لایه‌های معنایی و نظام واژی- دستوری موازی با آن، نوع خاصی از افزوده‌ها با نقشی خاص، متناسب با آن لایه معنایی در نظر گرفته شده است. در فرآیند بینافردی، نقش افزوده‌ها، بیان مفاهیم اظهاری^(۵) و مفاهیم وجهی احتمال و تداول است. افزوده‌های مفید میزان تداول مانند همواره، اغلب، معمولاً، همیشه، پیوسته، هرگز، بارها، گاهی، به ندرت، اصلاً، ابداً، مطلقاً، به هیچ وجه، لاینقطع، موقتاً، گاه‌به‌گاه، به طور منظم و افزوده‌های مفید احتمال مانند احتمالاً، احیاناً، شاید، یقیناً، مطمئناً، قطعاً، حتماً، لابد، هرآینه، مسلماً، بی‌شک، بی‌تردید، فرضاً، به فرض آنکه، گویا، گیرم، انگار، بی‌گمان، ظاهراً، و... (Halliday & Matthiessen, 2004: 82).

1. Dynamic

استعاره دستوری از نوع بینافردی

یکی دیگر از ابزار بازنمایی مفاهیم وجهی، استعاره دستوری است. استعاره دستوری در نظریه هلیدی آن است که یک واحد معنایی که به طور معمول و بی‌نشان از طریق یک ساختار یا واحد دستوری معین بیان می‌شود، از طریق ساختار یا واحد دستوری دیگری که در زبان برای آن وضع و مقرر نشده، بیان گردد (Halliday & Matthiessen, 2004: 626-636). در حوزه مفاهیم وجهی، در چهار مورد در محدوده ساختار بند، استعاره دستوری از نوع بینافردی رخ می‌دهد. بدین ترتیب که بندی که متضمن مفهوم وجهی است، گاهی به جای یک افزوده وجه‌نما به کار می‌رود و گاهی در ساختار یا وجهی نامتناظر با نقش گفتاری که افاده می‌کند، ظاهر می‌گردد.

الف) مفاهیم وجهی احتمال و تداول ممکن است در قالب بند پایه بندهای مرکب متبلور شود. این بندها به افزوده وجه‌نما تأویل می‌شوند. برخی از اینگونه بندها عبارتند از: گمان می‌کنم، فکر می‌کنم، حدس می‌زنم، احتمال می‌دهم، ممکن است، بعید است، به نظر می‌رسد، احتمال دارد، آشکار است، مبرهن است و

ب) گاهی بند پایه بندهای مرکب بر مفاهیم وجهی اجبار و تمایل دلالت می‌کند. این بندها بدین علت استعاره دستوری‌اند که از نظر ساختاری در وجه اخباری هستند، اما اغلب بر نقش‌های گفتاری پیشنهاد یا درخواست دلالت می‌کنند. برخی از اینگونه بندها عبارتند از: مجبوری که...، مجازی که...، قرار است که...، بهتر است که...، پسندیده است که...، لازم است که...، مایلم که...، خوشحال می‌شوم که...، مشتاقم که...، تمایل داری که...؟، دوست داری که...؟ و در هر دو گونه کاربرد استعاری یادشده، زمان فعل، زمان حال است. فعل بند گاهی رابطه‌ای است و گاهی غیر رابطه‌ای. اگر فعل، رابطه‌ای باشد، مفهوم وجهی در مسند مندرج است و اگر فعل، غیر رابطه‌ای باشد، خود بر یکی از مفاهیم وجهی دلالت دارد و به آن فعل واژگانی وجهی اطلاق می‌گردد؛ مانند دوست دارم و تمایل داری (همان: ۶۱۴ و ۶۲۹).

ج) قسم دیگر استعاره دستوری بینافردی که به مقوله وجه‌نمایی نزدیک است، بند پایه بندهای مرکبی است که بر نقش گفتاری کل بند مرکب تصریح دارند؛ مانند من امر می‌کنم که...، من دستور می‌دهم که...، من از شما می‌خواهم که...، من دوست دارم که شما...، من تمایل دارم که شما...، ممکن است از شما بپرسم که...؟ و ساختار این بندها

۱۵۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳ —————
از نوع وجه اخباری است و فعل آنها معمولاً از فرایندهای بیانی یا ذهنی است و اغلب محدودیت‌هایی در شخص و شمار نهاد و بخش ارجاعی فعل دارند؛ بدین معنی که نهاد این بندها غالباً اول شخص یا دوم شخص است که مشارکین تعامل هستند و فعل آنها یا وجهی است و یا بر زمان حال دلالت دارد. البته نهاد می‌تواند یکی از مراجع اقتدار که در تعامل مشارکت ندارند، مانند قوانین و واقعیات موجود نیز باشد (Halliday & Matthiessen, 2004: 627-636).

د) ساختار استعاری دیگری که به مفاهیم وجهی مربوط می‌شود، بندهای بسیط خبری یا پرسشی‌ای هستند که حاوی یکی از عناصر وجه‌نمای اجبار یا تمایل می‌باشند؛ مانند بندهای پرسشی که در معنای درخواست یا کسب اجازه به کار می‌روند.

- شما باید از اینجا بروید.

- می‌توانم این کتاب را از شما امانت بگیرم؟

افعال وجهی^۱

یکی دیگر از ابزار بازنمایی مفاهیم وجهی در زبان فارسی، افعال وجهی است. فعل وجهی در دستور هلیدی، به یکی از اجزای عنصر خودایستا^(۶) اطلاق می‌شود که نقش آن، بازنمایی مفاهیم وجهی در بند است. افعال وجهی در ردیف افعال ناقص قرار دارند؛ یعنی محدودیت‌هایی در صرف زمان، شخص و عدد دارند (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۲۲-۱۲۶). افعال وجهی در فارسی معاصر، شامل بایستن، شدن و توانستن است (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۸۳). این افعال، رفتار نحوی یکسانی ندارند و از میان آنها، «بایستن» به دلیل نداشتن ارجاع زمانی خاص و داشتن صورت‌های محدودی که همگی را می‌توان بدون تغییر معنا با صورت پرسامد این فعل یعنی «باید» جایگزین کرد، از سایرین وجهی‌تر است. بدین معنی که در طی کردن روند دستوری شدن^(۷) و گذر از فعل واژگانی به فعل وجهی، از دو فعل دیگر پیشی گرفته است (همان: ۱۲۶-۱۲۸).

درباره افعال وجهی در زبان فارسی قدیم، پژوهشی صورت نگرفته است. اما به نظر می‌رسد که افعال کمکی وجهی رایج در فارسی امروز با همه ویژگی‌های صرفی، نحوی و

1. Modal verbs

معنایی‌شان، در فارسی دوره‌های پیشین هنوز رواج نیافته بودند و در عبور از صورت واژگانی فعل به صورت فعل کمکی، مراحل ابتدایی‌تری را نسبت به فارسی امروز گذرانده بوده‌اند. برخی از دست‌نویسان چون انوری و گیوی (۱۳۶۸: ۷۱)، دو فعل «یارستن» و «شایستن» را در ردیف افعال وجهی فارسی آورده‌اند که از افعال رایج در فارسی قدیم هستند و باید تحقیق شود که آیا ویژگی‌های اصلی افعال وجهی را دارند یا خیر. از این‌رو در این پژوهش، مبنای کار را بر افعال وجهی شناخته‌شده‌ای که ذکر آنها گذشت، قرار می‌دهیم و چنانچه در اثنای بررسی متن گلستان به نتیجه‌ جدیدی رسیدیم، آن را به عنوان یافته‌ این پژوهش مطرح می‌کنیم. «فعال‌های وجهی، معانی مختلفی دارند و معنای آنها در هر مورد باید از بافت و فحوای کلام استنباط شود» (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۸۳).

فعل وجهی بایستن

این فعل در فارسی معاصر، تنها دارای چند صورت است که از میان آنها، صورت فعلی باید از همه پربسامدتر است (همان: ۹۷). فعل بایستن بر مفهوم وجهی احتمال با درجه قوی و مفهوم وجهی لزوم و اجبار دلالت می‌کند (همان: ۹۸ و ۱۰۲).

- الآن باید خونه باشن (حاتمی‌کیا، ۱۳۷۵: ۱۲، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۹۹).

- [...] ده- یازده سالش نباید بیشتر باشد... (پ. د، دانشور، ۱۳۵۳، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

- کجا بمونه؟ زن زیادی باید بره (مخمل‌باف، ۱۳۷۲: ۷۴۰، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۰۳) (لزوم و اجبار)

- باید امشب بروم (سپهری، ۱۳۸۹: ۱۹۳) (لزوم و اجبار)

- درها کوتاه است و باید تا شد و از آن به درون رفت. (پ. د، آل احمد، ۱۳۵۶، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۰۵) (لزوم و اجبار)

در فارسی قدیم، گاهی بایستن به صورت فعلی مستقل با حفظ معنای وجهی اجبار و لزوم، در جایگاه هسته گروه فعلی قرار می‌گرفته است. اما امروزه این نوع کاربرد فعل بایستن در حال منسوخ شدن است (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۹۸).

- باید که این سخن با کس در میان ننهی (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

فعل وجهی شدن

در فارسی معاصر، فعل شدن به عنوان فعل وجهی دارای سه صورت «می شود»، «بشود» و «می شد» است. مفاهیم وجهی فعل وجهی شدن عبارتند از: احتمال با درجه ضعیف، کسب اجازه و خواهش مؤدبانه که هر دو از فروع مفهوم وجهی اجبار هستند و بیان امکان پذیر بودن رخداد (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۰۸).

- همیشه مریم به مدرسه نیومده باشه. (همان: ۱۱۰) (احتمال با درجه ضعیف)
- میشه بعداً بازی کنم؟ (مخمل باف، ۱۳۷۶: ۲۱۹، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۲) (کسب اجازه)
- گفتم: ببخشید! اون خانومی که اونجا خوابیده، خیلی درد داره. میشه کاری براش بکنین؟ (حسینی، ۱۳۹۲: ۷۷) (خواهش مؤدبانه)
- می شد در آن اتاقی ساخت و زندگی کرد. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۰) (امکان پذیر بودن رخداد)

فعل وجهی توانستن

در فارسی معاصر، توانستن برخلاف دو فعل وجهی بایستن و شدن، صیغه‌های متعددی دارد و به تناسب فعل واژگانی همراهش می تواند برای شخص و شمار صرف شود و بسته به مفهوم مورد نظر، صورت زمان‌های مختلف را به خود گیرد. مفاهیم وجهی این فعل عبارتند از: احتمال با درجه ضعیف، کسب و صدور اجازه که از فروع مفهوم وجهی اجبار است، تمایل، قدرت، قابلیت و امکان پذیر بودن رخداد (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۵-۱۲۴).

- تطهیر در مذاهب مختلف می تواند متفاوت باشد. (پ. د، اسلامی ندوشن: ۱۳۷۰، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۵) (احتمال ضعیف)
- نمی تونه رفته باشه (چون چراغ اتااقش روشنه). (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۷) (احتمال ضعیف)
- [...] من می تونم پیام جلو با خودتون صحبت کنم؟ (مخمل باف، ۱۳۷۶: ۲۱۵، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۹) (کسب اجازه)
- گفت: «می تونی پیراهن فخری را بپوشی». (پ. د، گلشیری، ۱۳۴۷، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۸) (صدور اجازه)

- می‌تواند برود. او سزای خود را پیش از این دیده است. (پ. د، صادقی، ۱۳۴۰، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۸) (صدر اجازة)
- من احتیاج به کسی داشتم که [...] بتونه بار منو از رو دوشم برداره، نه اینکه یه بار اضافی باشه... (مهرجویی، ۱۳۷۴: ۵۸، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۲۰) (قدرت)
- صنعت می‌تواند زمین را برای محصول انبوه آماده کند. (پ. د، اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۲۱) (قابلیت)
- [...] برادرکشی رو از سر گرفتید. دیگه من و شما چه حرفی با هم می‌تونیم داشته باشیم؟ (پ. د، دانشور، ۱۳۵۳، به نقل از اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۲۰) (امکان‌پذیر بودن)

وجه فعل

وجه فعل نیز می‌تواند یکی از ابزار بازنمایی زبانی مفاهیم وجهی باشد. هلیدی ضمن پذیرش وجود یک نظام بینافردی در گروه فعلی بسیاری از زبان‌ها، با نگاهی جامع‌تر، وجه را ویژگی بند دانسته است، نه ویژگی گروه فعلی و از این‌رو به مقولهٔ وجه فعل به عنوان یک مبحث دستوری نپرداخته است. نپرداختن هلیدی به مقولهٔ وجه فعل، علاوه بر تأکید او بر وجه بند، شاید به خاطر این باشد که وجه فعل در انگلیسی، در فعل واژگانی تظاهر نمی‌یابد. در نتیجه این عوامل، او به وجود ارتباط بین وجه‌نمایی و وجه فعل اشاره‌ای نکرده است.^(۸)

دربارهٔ وجه فعل در فارسی، دستورنویسان اختلافاتی با یکدیگر دارند. دهقان (۱۳۳۲: ۲۸-۲۹)، دبیرسیاقتی (۱۳۴۵: ۳۶)، مشکور (۱۳۴۶: ۹۶)، طالقانی (۱۳۵۴: ۴۵) و غریب (۱۳۷۱: ۲۱۳) برای فعل در فارسی شش وجه قائل هستند: اخباری، التزامی، شرطی، امری، وجه وصفی و وجه مصدری. اما خیام‌پور (۱۳۴۴: ۷۲)، فرشیدورد (۱۳۴۸: ۱۲۰)، انوری و گیوی (۱۳۶۸: ۷۳-۷۵) و مشکوه‌الدینی (۱۳۸۱: ۶۷)، وجه فعل را بر سه قسم اخباری، التزامی و امری می‌دانند.

وحیدیان کامیار (۱۳۷۳) معتقد است که برخلاف نظر دستورنویسان، وجه التزامی وجه مستقل و متمایزی در مقابل وجه اخباری نیست؛ زیرا بنا بر بررسی او، در برابر هر

۱۵۸ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

ساخت اخباری، یک ساخت التزامی وجود ندارد. انوری و گیوی، وجه را ویژگی تصریفی افعال زمان دار می‌دانند. طبق نظر آنها، افعال کمکی و غیر کمکی می‌توانند دارای وجه اخباری، التزامی یا امری باشند. ایشان در نقد نظر کسانی که برای فعل فارسی شش وجه قائلند، می‌گویند: «مشخص نیست مبنای این تقسیم‌بندی، صوری است یا معنایی یا هر دو. اگر صوری است، چه فرقی بین وجوه التزامی و شرطی وجود دارد و اگر معنایی است، حضور وجوه مصدری و وصفی در آن، چه توجیهی دارد» (انوری و گیوی، ۱۳۶۸: ۷۳-۷۵).

با توجه به منطقی بودن انتقاد یادشده، در این پژوهش، وجه فعل در زبان فارسی و ارتباط آن با مقولۀ وجه‌نمایی را ذیل سه قسم وجه اخباری، التزامی و امری بررسی می‌کنیم. امروزه ساختمان وجوه افعال فارسی، محدودتر و نشانه‌های آنها، مشخص‌تر از قدیم است. در فارسی قدیم، وجوه مختلف فعل، ساختمان‌های متنوع‌تری داشته‌اند و در عین حال، تمایز ساختاری آشکاری با یکدیگر نداشته‌اند (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۲۹۷، ۳۲۸-۳۳۰). در بررسی ارتباط وجه فعل با مقولۀ وجه‌نمایی، مراد ما از وجه فعل، وجه فعل مربوط به بخش اصلی بند است، نه بخش وجه‌نمای بند (Halliday & Matthiessen, 2004: 148). برای مثال در عبارت «بهتر است برای درس خواندن، روزها به کتابخانه بروی»، موضوع مورد بررسی ما، وجه فعل «بروی» است، نه وجه فعل «است».

وجه اخباری

فعل دارای وجه اخباری، متعلق به بند دارای وجه اخباری است و مفهوم وجهی مربوط به آن، احتمال است. بدیهی است که این وجه فعلی بر قطعیت که از نظر هلیدی، یکی از درجات احتمال است، نیز دلالت می‌کند.

- او هر روز به کتابخانه می‌رود.

- در آینده چیزهای کمتری خواهم دانست و این مرا سبک‌تر می‌کند
(شمیسا، ۱۳۷۳: ۴۰).

- اکنون نمی‌توانم به دقت به یاد بیاورم. شاید حتی فهمیده بودم که او می‌میرد (همان: ۱۱).

- گویی ناهارها به ما ماست و سیر می‌دادند تا گیج شویم و بخوابیم (شمیسا، ۱۳۷۳: ۹).
- از پشت شیشه‌ها فقط دار و درخت که رنگ‌های تازه سبزی دارند و گویا فقط کمی خیس هستند، دیده می‌شود (همان: ۳۱).
- او احتمالاً از اینجا می‌رود.
- مثل اینکه از این خانه خوشش نمی‌آید (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۳۳۵).
- شاید حسین همین مرد است (همان).

وجه امری

وجه امری فعل، متعلق به وجه بند امری است. بند دارای وجه امری، بیش از سایر وجوه بند در نقش گفتاری مختص به خود تثبیت شده است. از آنجا که نقش گفتاری بند دارای وجه امری، بیان درخواست - اغلب درخواست گوینده از شنونده - است، با نظام وجه‌نمایی اجبار در ارتباط است و در واقع صورت بی‌نشان این نوع وجه‌نمایی است (مرادی، ۱۳۹۱: ۶۹).

وجه التزامی

فعل دارای وجه التزامی در بند مستقل ظاهر نمی‌شود، بلکه همیشه در بندهای پیرو و وابسته به کار می‌رود و بندهای ظاهراً مستقلاً که حاوی فعل التزامی هستند، در واقع دارای عناصر زبانی مقدر یا صریحی مانند باید، شاید، کاش و الهی هستند که به تأویل بند می‌روند و در حکم بند پایه اینگونه بندها هستند (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۲۹۸).

از نظر معنایی، فعل وجه التزامی بر مشخصه معنایی نامحقق یا عدم قطعیت دلالت دارد. این عدم قطعیت ناشی از وابستگی وقوع فعل به امری دیگر است. این امر ممکن است یا وابستگی وقوع فعل به مفهوم احتمال باشد و یا وابستگی الزامی یا منطقی وقوع فعل بند پیرو به وقوع فعل بند پایه. در حالت دوم، در وقوع فعل بند پیرو، عوامل دیگری جز وقوع فعل بند پایه نقش دارد که ممکن است به‌طور کامل فراهم نباشد و همین امر، وقوع فعل بند پیرو را غیر قطعی می‌سازد. به علاوه در بسیاری از موارد، فعل بند پایه خود بر امور غیر قطعی از قبیل خواست، آرزو، میل، امید، دعا، شرط، تعهد و پیشنهاد، توصیه و دلالت می‌کند. برخی نمونه‌های فعل وجه التزامی عبارت است از:

- می‌کوشیدم به خاطر میهمانم هرچه زودتر به حال طبیعی برگردم
(شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۶).

- شاید او دیگر هیچ‌گاه سخن نگوید.

- اگر به آنچه می‌دانید عمل کنید، علم آنچه نمی‌دانید را به شما خواهند داد.

- قول می‌دهم که با تو بیایم.

- من سال‌هاست که می‌خواهم آن را بنویسم (همان: ۴۳).

- بهتر است هر کس گوی خودش را نزد خودش نگاه دارد و تا آخر عمر از

آن مواظبت نماید (همان: ۷۱).

- اما علی‌العجالة مجبورم آن را برای خودم بنویسم... (همان: ۴۸).

هر چند معنای نامحقق که از طریق فعل وجه التزامی بیان می‌شود، با مفهوم وجهی احتمال مورد نظر هلیدی شباهت دارد، به نظر نویسندگان، نمی‌توان فعل وجه التزامی را یکی از ابزار بیان این مفهوم وجهی دانست؛ زیرا اولاً التزامی بودن وجه فعل، در واقع نفس وابستگی وقوع فعل را به امری دیگر نشان می‌دهد و عدم قطعیت از لوازم این وابستگی است، در حالی که مفهوم وجهی احتمال، نوع خاصی از عدم قطعیت است که غالباً توسط یک موجود ذی‌شعور به فعل نسبت داده می‌شود. ثانیاً مفهوم وجهی احتمال مربوط به نقش گفتاری اخبار است؛ در حالی که فعل وجه التزامی به عنوان ابزار بازنمایی معنای نامحقق با نقش گفتاری خاصی در پیوند نیست و هم در بند پیرو بندهای مرکبی که نقش گفتاری آنها اخبار است، ظاهر می‌شود و هم در بند پیرو بندهای مرکبی که نقش گفتاری آنها پیشنهاد یا درخواست است.

در بندهای مرکبی که وجه فعل در بند پیرو آنها التزامی است، مفهوم وجهی با توجه به نقش گفتاری بند پایه برای کل بند مرکب به عنوان یک واحد تعیین می‌شود، نه برای بند پایه و پیرو به طور جداگانه؛ با این توضیح که در بندهای مرکبی که بند پایه معنای گزاره‌ای و تجربی دارد، مفهوم وجهی در واقع متعلق به بند پایه است و در بندهای مرکبی که بند پایه، استعاره بینافردی است، مفهوم وجهی در واقع متعلق به بند پیرو است.

جهت‌گیری در وجه‌نمایی^۱

اصطلاح جهت‌گیری در حوزه وجه‌نمایی، شامل دو مقوله است: یکی منبع قضاوت و حکم و دیگری صریح یا غیر صریح بیان شدن قضاوت. در هر دو نوع وجه‌نمایی، منبع قضاوت و حکم معمولاً تعاملی است یعنی گوینده یا شنونده است^۲ که با اشخاص شرکت‌کننده در تعامل هستند. اما دیگر مراجع اقتدار مانند گروه‌ها، اشخاص غیر مشارک در تعامل، قوانین، عرف، واقعیات و شرایط موجود نیز می‌توانند منبع قضاوت و حکم باشند^۳ (eggin, 2004: 174 و مرادی، ۱۳۹۱: ۹۲).

انصاف و تقوای علمی اقتضا می‌کند تا براهین متقنی بر بطلان عقلی و شرعی امری وجود نداشته باشد؛ هر چند صحت آن امر نیز برای شخص اثبات و تجربه نشده باشد، آن را محتمل الصدق و الکذب بداند و صحت و سقم آن را امکان‌پذیر بشمارد (طیب، ۱۳۸۷: ۹) (منبع غیر تعاملی).

از سوی دیگر، اگر مفهوم وجهی در قالب یک بند - و به اصطلاح - از طریق استعاره دستوری بیان شود، وجه‌نمایی صریح^۴ است و اگر از طریق افزوده‌های وجه‌نما و افعال وجهی باز نمود یابد، غیر صریح^۵ است (Halliday & Matthiessen, 2004: 615-16, 626).
گمان نمی‌کنم آنها در خانه باشند (تصریح در وجه‌نمایی).
آنها احتمالاً به مسافرت رفته‌اند (عدم تصریح در وجه‌نمایی).

درجات وجه‌نمایی احتمال

مفهوم وجهی احتمال دارای درجاتی از قوت و ضعف است. این درجات به شیوه‌هایی در زبان بازنمایی می‌شوند. برخی از آنها عبارتند از:

الف) افعال وجهی: فعل وجهی باید بر احتمال با درجه قوی و دو فعل توانستن و شدن بر احتمال با درجه ضعیف دلالت می‌کنند.

ب) افزوده‌های وجه‌نما: این افزوده‌ها بر حسب معنای واژگانی‌شان، درجات مختلف

1. Orientation
2. Subjective
3. Objective
4. Explicit
5. Implicit

۱۶۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳ —————
احتمال را نشان می‌دهند؛ عباراتی مانند یقیناً، حتماً، مطمئناً، قطعاً، احتمالاً، شاید و به احتمال ضعیف. قوی‌ترین درجه احتمال یعنی قطعیت، به دو صورت نفی و اثبات فعل وجه اخباری، بدون افزوده‌های وجه‌نما و افعال وجهی ظاهر می‌شود و تعهد مطلق گوینده را به اعتبار خبر مطرح‌شده نشان می‌دهد (Halliday & Matthiessen, 2004: 147). در سایر موارد از طریق عوامل یادشده، درجاتی از احتمال قوی یا ضعیف به خبر نسبت داده می‌شود و این نحوه کاربرد، مسئولیت گوینده را نسبت به اعتبار گزاره بیان‌شده کاهش می‌دهد (همان: ۱۴۷-۱۴۸ و ۱۶۴). به عقیده هلیدی، میزان قطعیت در مواردی که بند با عناصر وجه‌نمایی چون یقیناً و مطمئناً توأم است، کمتر از شکل مطلق نفی و اثبات است. به گفته او، ما زمانی می‌گوییم که نسبت به چیزی یقین داریم که در حقیقت یقین نداریم (همان: ۱۴۷). اما به نظر نویسندگان، کاربرد افزوده‌های مفید اطمینان، گاهی پیامد فرض ذهنی گوینده مبنی بر تردید مخاطب نسبت به سخنان اوست، نه تردید خودش.

ج) زمان دستوری: همان‌طور که گفتیم، فعل دارای وجه اخباری در صورتی که بند از دیگر عناصر وجه‌نما خالی باشد، قطعیت را نشان می‌دهد. با این حال در همین شرایط نیز زمان‌های دستوری گذشته مطلق، حال و آینده، درجات متفاوتی از قطعیت را بروز می‌دهند، به طوری که فعل گذشته مطلق بر قطعیت بیشتر و فعل‌های مضارع و آینده بر قطعیت کمتر دلالت می‌کنند. به همین مناسبت، در بلاغت به فعل ماضی‌ای که در معنای آینده به کار می‌رود، ماضی «محقق‌الوقوع» می‌گویند.

گرم رهنمایی رسیدم به خیر ورم گم کنی بازماندم ز سیر
(سعدی، ۱۳۸۹: ۳۹۶)

تأثیر بافت بر شیوه‌های بازنمایی مفهوم اجبار

اجبار یکی از موضوعاتی است که در روابط و تعاملات افراد حضور پررنگی دارد و با توجه به نوع رابطه افراد و جایگاه و منزلت آنها نسبت به یکدیگر که در نظریه هلیدی به‌عنوان متغیر بافتی عاملان سخن شناخته می‌شود، به گونه‌های مستقیم و غیر مستقیم بیان می‌گردد. بند امری، شکل مستقیم و غیر استعاری بیان اجبار و مبین درجه قوی

این مفهوم است و در مواردی استعمال می‌شود که گوینده و شنونده، هم‌رتبه و صمیمی باشند و یا گوینده، شأن و جایگاهی برتر نسبت به شنونده داشته باشد. البته گاهی فعل امر در مقام خواهش و دعا، یعنی در شرایطی که شنونده جایگاهی پایین‌تر از گوینده دارد نیز به کار می‌رود که در این صورت، آهنگ کلام به تعدیل اجبار موجود در سخن کمک می‌کند.

الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز (وحشی بافقی، ۱۳۷۶: ۳۶۵)

اما معمولاً بنا به ملاحظات بافتی در حوزه روابط بین مشارکان تعامل زبانی، از جمله آزاد گذاشتن مخاطب در پذیرش یا رد درخواست، رعایت رسمیت فضای سخن، رعایت مقتضیات ادب و تأثیرگذاری بر مخاطب و برانگیختن او به انجام کنشی خاص، برای بازنمایی این مفهوم از شیوه‌های غیر مستقیم بیان استفاده می‌شود (Halliday & Matthiessen, 2004: 631). برخی از سازوکارهای بیان غیر مستقیم اجبار عبارت است از:

- بیان استعاری نقش گفتاری درخواست از طریق بندهای خبری و پرسشی که افاده درجات متفاوتی از اجبار را میسر می‌کند و خود نقش‌های گفتاری فرعی‌ای را در محدوده نقش گفتاری درخواست می‌سازد، همچون آرزو، خواهش، کسب اجازه، توصیه، ترغیب، اخبار از ضرورت، تحذیر و... به این نمونه‌ها اشاره می‌شود: ای کاش... (آرزو)، ممکن است...؟ (خواهش)، می‌توانم...؟ (کسب اجازه)، بهتر است... (توصیه)، پسندیده است... (ترغیب)، قرار است... (ترغیب)، لازم است... و باید... (بیان ضرورت) (همان: ۶۲۰-۶۲۱).

- استفاده از کلمات عام و مبهم برای اشاره به عنصر تحت اجبار.
 - استفاده از صیغه‌های غیر مخاطب برای اشاره به مخاطب تحت اجبار.
 - تمرکز بر متعلق شناخت (ابژه) به جای فاعل شناسا (سوژه) (همان: ۶۳۳).
- محبت و عشق یک امر یک‌طرفه است. باید در درون آدمی باشد (شمیسا، ۱۳۷۳: ۶۵).

بررسی سبک‌شناختی وجه‌نمایی در گلستان سعدی

در چارچوب نظریه هلیدی

پس از معرفی آرای هلیدی در زمینه وجه‌نمایی، اینک به عنوان یک مطالعه سبکی، مقوله وجه‌نمایی را در چند متن که به طور تصادفی از همه باب‌های گلستان سعدی برگزیده شده است و مجموعاً پانصد بند ساده اعم از مستقل و وابسته را تشکیل می‌دهد، بررسی می‌کنیم. در این بررسی، عوامل دخیل در وجه‌نمایی از قبیل وجه بند، نقش‌های گفتاری، نوع مفهوم وجهی، ابزار زبانی بازنمایی آن، نوع منبع قضاوت و حکم و همچنین برخی شگردهای بیان غیر مستقیم اجبار مطالعه می‌شود. هدف از این پژوهش، همان‌طور که در مقدمه گفته‌ایم، این است که بدانیم شیوه سعدی در بیان نصیحت و پند و اندرز که طبیعتاً با میزانی از تحکم و اجبار همراه است، چیست و از چه شگردهای زبانی‌ای در حوزه وجه‌نمایی استفاده کرده است. حال ممکن است برخی از این شگردها، ویژه زبان سعدی باشد و برخی دیگر، ویژگی عام متون تعلیمی. در اینجا برای نمونه، تحلیل تعدادی از بندهای بررسی شده ارائه می‌شود. متن نخست، قطعه‌ای از حکایت دوم از باب هفتم (ص ۱۵۴) و متن دوم، بخشی از حکایت هفتم از باب چهارم (ص ۱۳۰) است.

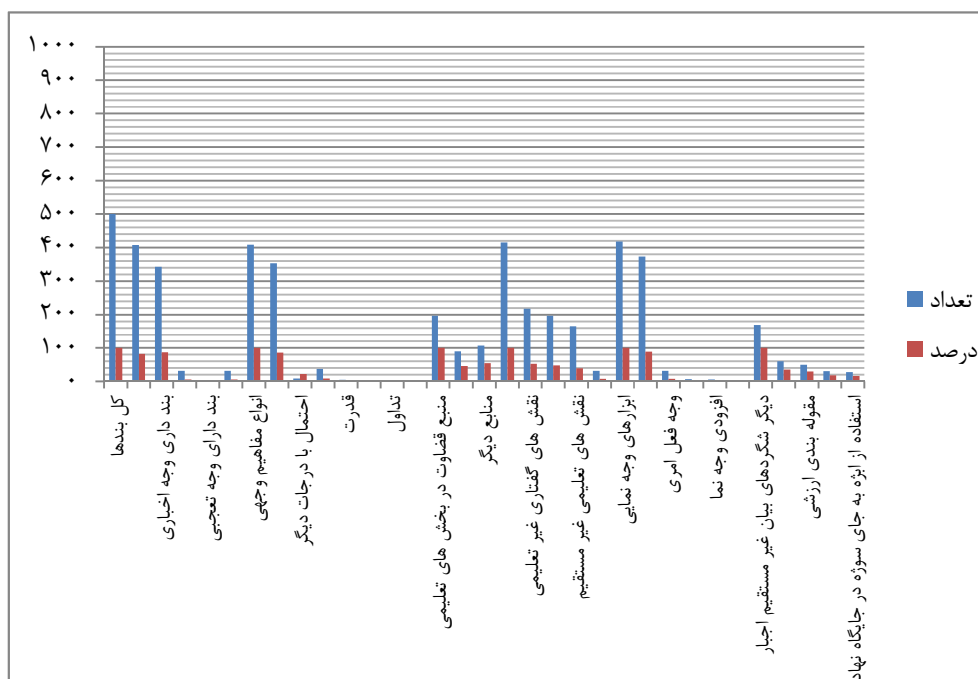
جدول ۱- تحلیل نمونه‌ها

شماره	بند	وجه بند: اخباری و امری	نقش گفتاری	مفهوم وجهی: احتمال، تداول، اجبار و تمایل	ابزار بیان مفاهیم وجهی: وجه فعل: اخباری و امری، فعل وجهی، افزوده و استعاره دستوری	نوع منبع: قضاوت: گوینده مستقیم و منابع دیگر	برخی شگردهای بیان غیر مستقیم اجبار: اسم عام، مقوله‌بندی ارزشی، مخاطب درون‌متنی و تمرکز بر ابژه به جای سوژه
۱	حکیمی پسران را بند همی‌داد	اخباری	خبر	احتمال- قطعیت	وجه فعل: اخباری	گوینده مستقیم	مقوله‌بندی ارزشی
۲	که جانان پدر هنر آموزید	امر	توصیه و ترغیب	اجبار	وجه فعل: امری	منابع دیگر	مخاطبان درون‌متنی
۳	که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید	اخباری	تحدیر	احتمال- قطعیت	وجه فعل: اخباری	منابع دیگر	ابژه به‌جای سوژه
۴	و سیم و زر در سفر به محل خطر است	اخباری	تحدیر	احتمال- قطعیت	وجه فعل: اخباری	منابع دیگر	ابژه به‌جای سوژه
۵	یا دزد به یک‌بار ببرد	اخباری	تحدیر	احتمال	وجه فعل: التزامی به جای اخباری	منابع دیگر	-
۶	یا خواجه به تفاریق بخورد	اخباری	تحدیر	احتمال	وجه فعل: التزامی به جای اخباری	منابع دیگر	-
۷	اما هنر چشمه زاینده است	اخباری	ترغیب	احتمال- قطعیت	وجه فعل: اخباری	منابع دیگر	مقوله‌بندی ارزشی و ابژه به‌جای سوژه
۸	و دولت پاینده	اخباری	ترغیب	احتمال- قطعیت	وجه فعل: اخباری	منابع دیگر	مقوله‌بندی ارزشی و ابژه

به جای سوژه							
اسم عام	منابع دیگر	-	-	-	-	و اگر هنرمند از دولت بیفتد	۹
-	منابع دیگر	وجه فعل: التزامی به جای اخباری	احتمال- قطعیت	ترغیب	اخباری	غم نباشد	۱۰
مقوله‌بندی ارزشی و ابژه به جای سوژه	منابع دیگر	وجه فعل: اخباری	احتمال- قطعیت	ترغیب	اخباری	که هنر در نفس خود دولت است	۱۱
مقوله‌بندی ارزشی	گوینده مستقیم	وجه فعل: اخباری	احتمال- قطعیت	خبر	اخباری	یکی از حکما را شنیدم	۱۲
-	گوینده مستقیم	وجه فعل: اخباری	احتمال- قطعیت	خبر	اخباری	که می‌گفت	۱۳
مقوله‌بندی ارزشی	منابع دیگر	وجه فعل: اخباری افزوده: هرگز	احتمال- قطعیت و تداول	تحدیر	اخباری	هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکند مگر آن کس	۱۴
کلمه مبهم	منابع دیگر	-	-	تحدیر	-	که چون دیگری در سخن باشد تمام ناگفته، سخن آغاز کند	۱۵
مقوله‌بندی ارزشی	گوینده مستقیم	وجه فعل: اخباری	احتمال- قطعیت	تذکار	اخباری	سخن را سر است ای خردمند و بن	۱۶
-	گوینده مستقیم	وجه فعل: امری	اجبار	توصیه	امری	میاور سخن در میان سخن	۱۷
مقوله‌بندی ارزشی	گوینده مستقیم	وجه فعل: اخباری	احتمال- قطعیت	ترغیب	اخباری	خداوند فرهنگ و تدبیر و هوش نگوید سخن	۱۸
-	گوینده مستقیم	-	-	-	-	تا نبیند خموش	۱۹

جدول ۲- بسامد متغیرهای وجه‌نمایی در متون برگزیده گلستان

متغیر	تعداد	درصد	متغیر	تعداد	درصد
کل بندها	۵۰۰	۱۰۰	کل بندها	۵۰۰	۱۰۰
بندهای دارای وجه	۴۰۸	۸۲	نقش‌های گفتاری	۴۱۵	۱۰۰
بند دارای وجه اخباری	۳۴۳	۸۶/۶	نقش‌های گفتاری غیر تعلیمی	۲۱۸	۵۲/۵۳
بند دارای وجه پرسشی	۳۲	۶/۴	نقش‌های گفتاری تعلیمی	۱۹۷	۴۷/۴۶
بند دارای وجه تعجبی	۱	۰/۲	نقش‌های تعلیمی غیر مستقیم	۱۶۵	۳۹/۷۵
بند دارای وجه امری	۳۲	۶/۴	نقش‌های تعلیمی مستقیم	۳۲	۷/۷۱
انواع مفاهیم وجهی	۴۰۹	۱۰۰	ابزار وجه‌نمایی	۴۱۸	۱۰۰
احتمال با درجه قطعیت	۳۵۳	۸۶/۳	وجه فعل اخباری	۳۷۳	۸۹/۲۳
احتمال با درجات دیگر	۹	۲۲	وجه فعل امری	۳۲	۷/۶۵
اجبار	۳۷	۹/۰۴	فعل کمکی وجهی	۷	۱/۶۷
قدرت	۵	۱/۲۲	افزوده وجه‌نما	۶	۱/۴۳
امکان‌پذیری	۳	۰/۷	استعاره‌ی دستوری	۱	۰/۲۳
تداول	۱	۰/۲۴	دیگر شگردهای بیان غیرمستقیم اجبار	۱۶۹	۱۰۰
تمایل	۰	۰	کلمات عام و مبهم	۶۰	۳۵/۵
منبع قضاوت در بخش‌های تعلیمی	۱۹۷	۱۰۰	مقوله‌بندی ارزشی	۵۰	۲۹/۵۸
گوینده مستقیم	۹۰	۴۵/۶۸	مخاطب درون‌متنی	۳۱	۱۸/۳۴
منابع دیگر	۱۰۷	۵۴/۳۱	استفاده از ابژه به جای سوژه در جایگاه نهاد	۲۸	۱۶/۵۶



شکل ۱- بسامد متغیرهای وجه‌نمایی در متون برگزیده گلستان

تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱- گلستان، اثری تعلیمی از نوع اخلاقی است. آثار تعلیمی اخلاقی مشتمل بر نصایح و مواعظ، بایدها و نبایدها و اوامر و نواهی اخلاقی هستند. در این آثار، گوینده سخن که گاهی راوی، گاهی یکی از شخصیت‌های حکایات و گاهی خود نویسنده است، در نقش یک واعظ ظاهر می‌شود. جهت‌گیری زبان در این نوع ادبی، به سمت مخاطب است و برجسته‌ترین نقش زبان در آن، تأثیرگذاری بر مخاطب و برانگیختن او به رعایت موازین اخلاقی مورد نظر گوینده است (ابرمز، ۱۳۸۴: ۸۳).

۲- آثار تعلیمی اخلاقی به سبب اشتغال بر نصایح و مواعظ، بایدها و نبایدها و اوامر و نواهی اخلاقی، منطقی‌اً ارتباط نزدیکی با مفهوم وجهی اجبار دارند. این نکته را بسامد ۴۷ درصدی نقش‌های گفتاری تحذیر، ترغیب، ارشاد، انذار و هشدار در متون مورد بررسی گلستان که از فروع نقش گفتاری درخواست هستند، تأیید می‌کند. اما آمار نشان

می‌دهد که عناصر وجه‌نمای مربوط به اجبار، حضور نسبتاً کم‌رنگی در این متون دارند؛ به طوری که تنها ۷/۶۵٪ از افعال این متون در وجه امری است و سایر ابزار بیان مفهوم وجهی اجبار نیز بسامد رخداد ناچیزی دارند. در حالی که همهٔ افعال امری استعمال‌شده نیز نقش تعلیمی ندارند. به عکس در این متون، مفهوم وجهی احتمال بسامدی تقریباً ده برابر مفهوم وجهی اجبار دارد. به بیان دیگر، ارتباط متون برگزیدهٔ گلستان با مفهوم وجهی اجبار در سطح معنا، روشن و محرز است، ولی در سطح دستور، مبهم. نویسندگان در توجیه این ناهماهنگی، به نتایج زیر رسیده‌اند:

اشتمال آثار تعلیمی بر مواظظ و نصایح، بایدها و نبایدها و اوامر و نواهی اخلاقی و ارتباط آن با مفهوم وجهی اجبار می‌تواند موجب ایجاد لحنی صریح، تحکم‌آمیز و آمرانه در سخن و در پی آن سبب ملالت و انزجار مخاطب و بی‌تأثیر ماندن کلام بر او گردد. در این صورت، هدف ادبیات تعلیمی که همانا تأثیرگذاری بر مخاطب و برانگیختن او به رعایت موازین اخلاقی است، محقق نمی‌شود. از این‌رو معمولاً در آثار تعلیمی، شگردهایی به کار گرفته می‌شود که از میزان صراحت و تحکم کلام می‌کاهد و بدین وسیله، در عین حفظ صبغهٔ تعلیمی سخن، بر میزان تأثیرگذاری آن می‌افزاید. برخی از شگردهایی که در متن مورد پژوهش ما یعنی گلستان سعدی در خدمت تأمین چنین هدفی قرار گرفته‌اند و در چارچوب مقولهٔ وجه‌نمایی از منظر هلیدی قابل توصیف هستند، در ادامه معرفی می‌گردد. از میان این شگردها، برخی دستوری، برخی واژگانی و برخی معنایی‌اند.

الف) وفور استفاده از بندهای خبری. در متون مورد بررسی در این مقاله، تعداد بندهای دارای وجه اخباری تقریباً دوازده برابر بندهای امری است. این بندهای اخباری از نظر نقش گفتاری و کارکرد به دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. بندهایی که نقش گفتاری آنها اخبار است. سعدی برای طرح موضوعات اخلاقی مورد نظر خود، از شیوهٔ نقل حکایت و تمثیل استفاده کرده است و چون برای بیان هر نکته، یک حکایت در مقدمه آورده است، بسامد بندهای خبری دارای نقش گفتاری اخبار در این اثر بسیار بالاست. به بیان دیگر، اینگونه بندها در این اثر به‌خودی‌خود نقش تعلیمی ندارند، بلکه به عنوان زمینه‌ساز طرح نکات اخلاقی و ارشاد عمل می‌کنند. گفتنی است که در باب هشتم که سعدی از

شیوه نقل حکایت کمتر سود جسته است، بسامد کاربرد اینگونه بندها کمتر است و سخن، صراحت و تحکم بیشتری دارد. در متون گزینش شده این پژوهش از باب هشتم، بسامد این نوع بند خبری صفر است.

۲. بندهای اخباری که غیر مستقیم دارای یکی از نقش‌های گفتاری درخواست از آن نوعی هستند که در ادب تعلیمی رایج است؛ نقش‌هایی از قبیل تحذیر، ترغیب، هشدار، توبیخ، ارشاد و... از این رهگذر، نویسندگان به جای اینکه درباره مسائل مورد بحث خود به امر و نهی مستقیم و ملال برانگیز بپردازد، به طرز خبری، به سود یا زیان، محاسن یا معایب یا عواقب آنها و به طور کلی به وجوه مثبت یا منفی آنها اشاره می‌کند و بدین‌گونه مخاطب را از آنها تحذیر و یا به آنها ترغیب می‌نماید. به بیان دقیق‌تر در چنین مواردی، یک بند امری به عنوان نتیجه منطقی مطالب یادشده، در تقدیر است. در متون بررسی شده، بسامد بندهای اخباری از این دست، ۴۳/۸٪ کل بندهای اخباری است.

- دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگر آنکه آموخت و نکرد (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

- توانگری به هنر است نه به مال (همان: ۶۳).

ب) از یکسو تعداد نقش‌های گفتاری تعلیمی کمتر از تعداد نقش‌های گفتاری غیر تعلیمی است (تقریباً ۴۷٪ به ۵۳٪) و از سوی دیگر، شماره نقش‌های گفتاری غیر مستقیم تعلیمی بیش از نقش‌های مستقیم تعلیمی است (به ترتیب ۳۹/۷۵٪ و ۷/۷۱٪ کل نقش‌های گفتاری) و همین شیوه سبب ملایم شدن لحن شده است.

ج) استفاده فراوان از بندهای اخباری به دو صورتی که گفتیم، سبب می‌شود که مفهوم وجهی غالب در متون مورد بررسی، مفهوم وجهی احتمال باشد، نه اجبار. لازم به توضیح است که هر چند گفته شد که مفهوم وجهی بند با توجه به نقش گفتاری آن تعیین می‌شود، این حکم در مورد بندهایی صادق است که فاکتورهای صوری لازم را نیز دارند؛ یعنی حداقل یکی از عناصر وجه‌نما تصریحاً یا تقدیراً در آنها حضور داشته باشد. بر این اساس، مفهوم وجهی بندهای اخباری دارای نقش‌های گفتاری ترغیب، تحذیر و... که فاقد عناصر وجه‌نمای اجبار هستند، همچنان احتمال است.

د) در متون مورد مطالعه، پربسامدترین درجهٔ وجه‌نمایی احتمال، قطعیت است و دیگر درجات احتمال از ضعیف و قوی، بسامد ناچیزی دارند. زیرا منبع و مأخذ بسیاری از گزاره‌های اخلاقی و حکمی یا دین است و یا فرهنگ بشری. گزاره‌های دینی به دلیل منشأ آسمانی‌شان قطعی هستند و حکمت بشری به عنوان محصول تجربیات سالیان اقوام و ملل، مسلم و قطعی فرض می‌گردد. قطعیت گزاره‌های اخلاقی درجهٔ اعتبار و مرجعیت آن را در نظر مخاطب بالا می‌برد و بر تأثیرپذیری او از آن گزاره‌ها می‌افزاید.

ه) بر اساس آنچه تاکنون گفته شده است، می‌توان گفت که مفهوم وجهی اجبار علی‌رغم اینکه در گلستان به عنوان یک اثر تعلیمی، نقش مهمی دارد، برای تأثیرگذاری بیشتر سخن، غالباً غیر مستقیم از طریق مفهوم وجهی احتمال با درجهٔ قطعیت، ایفای نقش می‌کند. قطعی بودن گزاره‌های اخلاقی سبب می‌شود که علی‌رغم استفادهٔ کمتر از مفهوم وجهی اجبار، اقتدار و نفوذ سخن حفظ گردد.

و) منبع قضاوت و حکم؛ کارکرد غیاب یا حضور منبع قضاوت و حکم در بخش روایی و بخش تعلیمی کتاب با هم متفاوت است^(۹).

۱. منبع قضاوت در بخش روایی: نویسنده در نقل حکایات، با نکره آوردن منبع خبر و یا استفاده از افعالی چون «شنیدم، گویند، آورده‌اند»، منبع نقل خبر را حذف می‌کند و یا ناشناخته و مبهم باقی می‌گذارد تا بدین وسیله، فارغ از ملاحظات مربوط به تعهد گوینده نسبت به اعتبار خبر، آن حکایات را در مقام تمثیل و در فضای تعلیمی مورد نظر خود، معتبر^۱ و قطعی تلقی کند و اغراض تعلیمی خود را از آنها افاده نماید.

۲. منبع قضاوت و حکم در بخش تعلیمی کتاب: همان‌طور که گفتیم، منبع و مأخذ گزاره‌های اخلاقی و حکمی، یا دین است و یا فرهنگ، و محتوای آنها کمتر ساخته و پرداخته یک فرد است، اما گزینش آنها از سوی نویسنده مبتنی پذیرفته بودن آنها در نزد اوست و نگرش او را نشان می‌دهد. صادر شدن پند و اندرز از زبان گویندهٔ مستقیم که در گلستان در پاره‌ای از موارد، راوی و برخی موارد، خود نویسنده است، ممکن است لحن سخن را خشک و صریح کند و

پذیرش آن را برای مخاطب دشوار سازد. از این‌رو در بسیاری از موارد، در جایگاهی که سخن باید صبغهٔ تعلیمی داشته باشد - چه از طریق بندهای امری که مستقیم‌ترین و صریح‌ترین شکل بیان تعلیمی هستند و چه از رهگذر نقش‌های گفتاری غیر مستقیم - نویسنده با تغییر گوینده از خود و یا راوی به دیگران، در عین حفظ جنبهٔ تعلیمی سخن و اقتدار آن، از بار تحکمی کلام کاسته است. از مصادیق این روش، اندرزها و ارشادهایی است که از زبان قهرمانان حکایات، خطاب به یکدیگر و یا از قول بزرگان بیان شده است. گویندگان این اندرزها گاهی تیپ هستند مانند مادر، حکیم، رنجور، پارسا و... و گاهی شخصیت مانند پیغامبر^(ص)، موسی^(ع)، بزرگمهر، فریدون و... این گویندگان معمولاً از میان تیپ‌ها و چهره‌هایی انتخاب شده‌اند که در نزد اقشار و اصناف گوناگون مخاطبان، مقبولیت داشته باشند و از این‌رو از گویندگانی که وجههٔ مذهبی و مکتبی دارند، کمتر نقل قول شده است.

«بر طاق ایوان فریدون نوشته بود:

جهان ای برادر نماند به کس دل اندر جهان‌آفرین بند و بس»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۵۸)

البته این ویژگی متون گزینش‌شده از هفت باب نخست گلستان است. در باب هشتم که سبک آن تا اندازه‌ای متفاوت از سبک باب‌های دیگر است، بیشتر مطالب از زبان شخص نویسنده است و همین عامل سبب صراحت و قاطعیت لحن سخن در این باب شده است؛ به طوری که از مجموع ۹۰ موردی که بیان تعلیمی از زبان گوینده/راوی یا گوینده/نویسنده است، ۴۲ مورد متعلق به مقدمه و هفت باب نخست و ۴۸ مورد متعلق به باب هشتم است.

ز) استفاده از مخاطب درون‌متنی؛ بیان پند و اندرز از زبان قهرمانان حکایات خطاب به یکدیگر که مخاطبان درون‌متنی هستند، این امکان را فراهم می‌آورد که صراحت و قاطعیت لحن سخن در موارد لزوم حفظ شود و در عین حال، خواننده یعنی مخاطب برون‌متنی، لبهٔ تیز سخن را متوجه خود نبیند و سخن همچنان تأثیرگذار باقی بماند.

«درویش گفت: ملک را بگوی، توقع خدمت از کسی دار که توقع نعمت از

تو دارد» (سعدی، ۱۳۸۷: ۵۸).

ح) از دیگر شیوه‌های دستوری بیان غیر مستقیم اجبار در متون بررسی‌شده گلستان، قرار دادن اسم‌های عام، کلمات مبهم و نامشخص در جایگاه مخاطب بندهای متضمن اندرز است.

هر که پرهیز و زهد و علم فروخت خرمنی گرد کرد و پاک بسوخت

(همان: ۱۷۰)

«و هنرمند هرکجا رود، قدر بیند و بر صدر نشیند» (همان: ۱۵۴)

ط) معطوف کردن تمرکز سخن از فاعل شناسا (سوژه) به متعلق شناخت (ابژه) که تبلور دستوری آن معمولاً با نهاد قرار گرفتن ابژه صورت می‌گیرد.

«و هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده» (همان: ۱۵۴)

ی) برای بیان غیر مستقیم اجبار به جز سازوکارهای دستوری، ابزار واژگانی نیز در زبان موجود است، اما هلیدی به سبب تمرکز بر دستور، به آنها اشاره‌ای نکرده است. سعدی در گلستان از شیوه‌ای استفاده کرده است که نویسندگان آن را مقوله‌بندی ارزشی می‌نامند. سعدی مسائل و موضوعات اخلاقی اعم از صفات، اعمال و رفتارهای گوناگون انسان و همچنین افراد واجد و یا مبادرت‌کننده به آنها را ارزش‌گذاری می‌کند؛ بدین‌گونه که آنها را در مقوله‌هایی طبقه‌بندی می‌کند که از پیش در فرهنگ دارای ارزش مثبت و یا منفی هستند و بدین ترتیب رغبت و یا اکراه مخاطب را نسبت به آنها برمی‌انگیزد و بدین وسیله او را ترغیب و تحذیر می‌کند.

شوربختان به آرزو خواهند مقبلان را زوال نعمت و جاه

(همان: ۶۳)

نگوید سخن تا نبیند خموش خداوند فرهنگ و تدبیر و هوش

(همان: ۱۳۰)

«عفو کردن از ظالمان، جور است بر درویشان» (همان: ۱۷۱).

ک) یکی از تدابیر دیگری که سعدی برای تلطیف لحن سخن اندیشیده است و در سطح معنا و محتوا عمل می‌کند، درآمیختن نوع ادبی تعلیمی با نوع ادبی غنایی در

۱۷۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳

خلال اثر است. گلستان، اثری کاملاً تعلیمی نیست. تحقیقی که نویسندگان به طور مستقل روی چند حکایت از باب پنجم گلستان انجام دادند، نشان داد که نقش‌های گفتاری این باب غالباً از سنخ ادب تعلیمی نیست؛ نقش‌هایی نظیر عتاب، شکوا، اعتذار، دلجویی، تحسین و... این نقش‌ها به حوزه ادب غنایی نزدیک هستند. موضوع این باب نیز بیشتر غنایی است تا تعلیمی. از آنجا که هدف مستقیم زبان در ادب غنایی، سرگرم کردن و التذاذ مخاطب است (ابرمز، ۱۳۸۴: ۸۴) و مفهوم وجهی اجبار از لوازم آن نیست، درج مضامین و حکایات غنایی در میان مطالب تعلیمی، لحن را نرم و ملایم می‌سازد و سبب تفریح و انبساط خاطر خواننده شده، او را برای تأثیرپذیری بیشتر از مطالب بعدی آماده می‌کند^(۱۰).

ل) سعدی خود در اشاره کلی به شیوه بیان غیر مستقیم خود که برخی از مصادیق آن را در حوزه وجه‌نمایی معرفی کردیم، می‌گوید:

«غالب گفتار سعدی، طرب‌انگیز است و طبیعت‌آمیز و کوتاه‌نظران را بدین علت، زبان طعن دراز گردد که... ولیکن بر رأی روشن صاحب‌دلان که روی سخن در ایشان است، پوشیده نماند که در موعظه‌های شافی را در سلک عبارت کشیده است و داروی تلخ نصیحت به شهد ظرافت برآمخته تا طبع ملول ایشان از دولت قبول محروم نماند» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

۳- از میان ابزار وجه‌نمایی در متون مورد بررسی، وجه فعل بالاترین بسامد را دارد (تقریباً ۹۷٪). به جز وجه فعل، دیگر ابزار بازنمایی مفاهیم وجهی که در پژوهش حاضر معرفی شد از قبیل افزوده‌های وجه‌نما، استعاره‌های بینافردی و افعال کمکی وجهی در متون گزینش شده و به احتمال قوی در سراسر گلستان، بسیار کم کاربرد هستند. زیرا اولاً درجه قطعیت از مفهوم وجهی احتمال که بالاترین بسامد رخداد را در این متون دارد، معمولاً به طور مطلق و خالی از عناصر وجه‌نما به جز وجه فعل ظاهر می‌شود و ثانیاً افزوده‌های وجه‌نما و افعال وجهی در زبان فارسی قدیم هنوز چندان شکل نگرفته و رواج نیافته بوده‌اند. گویا توجه صرف دستورنویسان سنتی به وجه فعل در حوزه ابزار وجه‌نمایی، چندان هم بی‌راه نبوده است و وجه فعل، رایج‌ترین امکان زبانی برای وجه‌نمایی در زبان فارسی بوده و دیگر ابزار، امروزی و نوین هستند. به طوری که برخی از عباراتی که امروزه

در حوزه وجه‌نمایی در زبان فارسی، رایج است و برخی از معانی عبارات وجهی از پیش موجود، تحت تأثیر ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی راه یافته‌اند.

۴- از میان دو وجه فعل اخباری و امری در متون مورد بررسی، وجه اخباری که بیانگر مفهوم وجهی احتمال است، بسامد بسیار بالاتری نسبت به وجه امری که مستقیم‌ترین و صریح‌ترین شکل بیان مفهوم وجهی اجبار و در اینجا بیان تعلیمی است، دارد (۸۹/۲۳٪ به ۷/۶۵٪) و این امر حاکی از غلبه قاطع بیان تعلیمی غیر مستقیم بر بیان مستقیم در گلستان است.

۵- فعل دارای وجه اخباری به دلایلی که پیش‌تر گفتیم، در اکثر قریب به اتفاق موارد کاربرد خود (۸۶/۳٪) از میان درجات مختلف احتمال، درجه قطعیت را بازنمایی کرده است.

۶- در آثار هلیدی و شارح نظریه او، آگینز که مورد مطالعه نویسندگان این پژوهش بوده است، در بحث از بیان غیر مستقیم و استعاری مفاهیم وجهی، تنها از استعاره‌های بینافردی بحث شده است؛ یعنی از بندهایی که محتوای تجربی در دو سطح کنش بیانی و کنش منظوری آنها تقریباً یکی است و تنها از نظر فرانش بینافردی و نقش‌های گفتاری متفاوتند. در اکثر نمونه‌هایی که آنها به‌شاهد آورده‌اند نیز عناصر وجه‌نما مثل افزوده‌ها یا افعال کمکی وجهی در بند حضور دارند.

امیدوارم که شما آثار بزرگان ادبیات فارسی را بخوانید (آثار... را بخوانید).

نویسندگان از این دست بیان استعاری و غیر مستقیم در گلستان تقریباً نمونه‌ای نیافتند. اما فراوان به مواردی از بندهای خبری برخوردند که نقش گفتاری آنها، یکی از فروع در خواست است و در عین حال فاقد عناصر وجه‌نمای اجبار هستند و مهم‌تر اینکه در این نمونه‌ها، معنای بند در دو سطح بیانی و منظوری، هم از حیث فرانش بینافردی و نقش‌های گفتاری متفاوت است و هم از حیث فرانش تجربی. در این نمونه‌ها، محتوای تجربی بند در دو سطح بیانی و منظوری، معمولاً با وسایطی چون روابط منطقی به هم پیوند می‌خورند، به طوری که گاهی می‌توان یک یا چند بند محذوف در فضای خالی^۱ بین این دو معنا متصور شد. برای مثال، میان معنای بیانی بند

1. Gap

۱۷۶ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳ —————
«من تشنه‌ام» و معنای اراده شده از آن در بافت، یعنی «به من آب بده»، علاوه بر تفاوتی که در نقش گفتاری وجود دارد و یکی خبر است و دیگری درخواست، از نظر فرانشی تجربی هم تفاوت وجود دارد و فاصله بین آنها با بندی مثل «تشنگی با آب رفع می‌شود. پس..» پر می‌شود. در آثار مزبور، در بحث از وجه‌نمایی از چنین مواردی سخنی نرفته و جز یکی دو نمونه از این بندها نیامده است. می‌توان گفت که مواردی از این دست، هم استعاره تجربی هستند و هم استعاره بینافردی.

البته در میان بندهای دارای وجه اخباری فاقد عناصر وجه‌نمای اجبار که به طور غیر مستقیم بر نقش گفتاری درخواست دلالت می‌کنند، مواردی نیز هست که محتوای بیانی و منظوری آنها مثل نمونه‌های هلیدی، به لحاظ فرانشی تجربی پیوند نزدیکی با هم دارند. اما بر نویسندگان روشن نیست که هلیدی مفهوم وجهی این بندها را از چه نوعی در نظر می‌گیرد.

پنجره را باز می‌کنید؟ (پنجره را باز کنید)

من می‌روم بیرون. دست به هیچ چیز نمی‌زنی تا من برگردم. (دست به هیچ چیز نزن)

پادشاه پاسبان درویش است گرچه نعمت به فرّ دولت اوست
(پادشاه باید پاسبان درویش باشد) (سعدی، ۱۳۸۷: ۸۰)

نتیجه‌گیری

۱- گلستان به اقتضای موضوعش، با مفهوم وجهی اجبار ارتباط نزدیکی دارد و همین امر می‌تواند سبب تندی، صراحت و تحکم‌آمیز بودن لحن سخن شده، برجسته‌ترین نقش و هدف آن یعنی تأثیرگذاری بر مخاطب را با اشکال مواجه کند. از این‌رو نویسنده زبردست آن برای افزایش تأثیر سخن و تحقق اهداف اخلاقی خود، تمهیدات و شگردهایی در تبیین مضامین تعلیمی به کار بسته است که کلام را غیر مستقیم می‌سازند و از میزان صراحت بیان می‌کاهند و بر لطافت و ملایمت لحن سخن می‌افزایند. برخی از این شگردها که در چارچوب مقوله وجه‌نمایی از منظر هلیدی قابل توصیف هستند و به سه دسته دستوری، واژگانی و معنایی قابل تقسیم‌اند، به‌طور خلاصه عبارتند از:

الف) استفاده وافر از بندهای خبری در نقش گفتاری اخبار در قالب حکایت به عنوان زمینه‌چین طرح مطالب تعلیمی.

ب) کاربرد بندهای خبری در نقش‌های گفتاری ترغیب، تحذیر، ارشاد و... که به نظر نویسندگان در دو سطح تجربی و بینافردی، کارکرد استعاری و غیرمستقیم دارند.

ج) افزونی نقش‌های غیر تعلیمی بر نقش‌های تعلیمی و افزونی تعداد نقش‌های تعلیمی غیر مستقیم نسبت به نقش‌های تعلیمی مستقیم.

د) کاربرد مفهوم وجهی احتمال با درجه قطعیت به جای مفهوم وجهی اجبار. (ه) تغییر منبع قضاوت و حکم از گوینده مستقیم؛ یعنی نویسنده یا راوی به دیگران و بیان مضامین تعلیمی از زبان شخصیت‌های حکایات یا اشخاص دیگر. (و) قرار دادن اسم‌های عام، کلمات مبهم و نامشخص در جایگاه مخاطب بندهای متضمن اندرز.

ز) معطوف کردن تمرکز سخن از فاعل شناسا (سوژه) به موضوع شناخت (ابژه) که تبلور دستوری آن معمولاً با نهاد قرار گرفتن ابژه صورت می‌گیرد.

ح) طبقه‌بندی ویژگی‌ها و رفتارها و اعمال انسانی و واجدان و مبادرت‌کنندگان به آنها در مقوله‌های ارزشی.

ط) درآمیختن نوع ادبی تعلیمی با نوع ادبی غنایی در خلال اثر.

۲- به جز وجه فعل، ابزار دیگر بازنمایی مفاهیم وجهی که در پژوهش حاضر معرفی شد، از قبیل افزوده‌های وجه‌نما، استعاره‌های بینافردی و افعال کمکی وجهی در متون گزینش‌شده و به احتمال قوی در سراسر گلستان، بسیار کم‌کاربرد هستند. زیرا اولاً درجه قطعیت از مفهوم وجهی احتمال که بالاترین بسامد رخداد را در این متون دارد، معمولاً به طور مطلق و خالی از عناصر وجه‌نما به جز وجه فعل ظاهر می‌شود و ثانیاً افزوده‌های وجه‌نما و افعال کمکی وجهی در زبان فارسی قدیم هنوز چندان شکل نگرفته و رواج نیافته بوده‌اند. گویا توجه صرف دستورنویسان سنتی به وجه فعل در حوزه ابزار بیان وجه، چندان هم بی‌راه نبوده است و وجه فعل رایج‌ترین امکان زبانی برای وجه‌نمایی در زبان فارسی بوده و دیگر ابزار، امروزی و نوین هستند. به طوری که برخی از عباراتی که امروزه در حوزه وجه‌نمایی در زبان رایج است و برخی از معانی عبارات وجهی از پیش موجود، تحت تأثیر ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی راه یافته‌اند.

۳- پژوهشی را که از نظر خوانندگان گذشت، می‌توان نوعی مطالعه سبک‌شناختی خرد یا تک‌متغیری به حساب آورد که یکی از امکانات زبانی را در لایه‌های مختلف زبان اعم از معنایی، واژگانی و به خصوص دستوری، توصیف و تحلیل می‌کند و نکات درخور توجهی را در سبک گلستان روشن می‌سازد. اما اگر قرار باشد شیوه سبک‌شناسی متون ادبی آنچنان که هلیدی معتقد است، همانند متون غیر ادبی باشد و به شیوه خود او بیشتر بر نظام دستوری متمرکز باشد، نمی‌توان توصیف نسبتاً جامعی از متون ادبی به دست داد و بسیاری از جنبه‌های مخیل و زیبایی‌شناختی آنها و همچنین بحث علو معنا در آثار ادبی از دست می‌رود.

پی‌نوشت

۱. در رویکرد هلیدی، بند^۱ واحد مطالعه دستور زبان است که بزرگ‌ترین واحد این سطح از زبان نیز هست (Halliday & Matthiessen, 2004: 5-9).
۲. بندهای پرسشی و تعجبی در منطق و بلاغت سنتی، از آن‌رو که قابل صدق و کذب نیستند، از زیرمقوله‌های انشا در مقابل خبر هستند (شیروانی، ۱۳۸۳: ۶۷). اما از آنجا که این دو نوع بند نیز برای تبادل اطلاعات به کار می‌روند، در نظریه هلیدی در زیرمقوله وجه اخباری قرار گرفته‌اند.
۳. در دستور هلیدی، برخلاف منطق و بلاغت سنتی، صدق و کذب از مشخصه‌های تعریف‌کننده خبر نیست. هلیدی مفهوم اعتبار^۲ را جایگزین صدق و کذب کرده است و منظور او از این اصطلاح، انطباق نسبت ادعای مطرح در گزاره بند به نهاد، بر حالت مورد توافق طرفین ارتباط زبانی است؛ صرف‌نظر از اینکه بر واقعیت خارجی منطبق باشد یا خیر (Halliday & Matthiessen, 2004: 117, 119).
۴. به نظر نویسندگان، مفهوم وجهی تداول منحصر به بند دارای وجه اخباری نیست و دست کم برخی از مصادیق زبانی آن در بندهای وجه امری نیز به کار می‌رود: «گاهی به ما سر بزن».
۵. مفاهیم اظهاری که از طریق افزوده‌های اظهاری^۳ بازنمایی می‌شوند، در شمار مفاهیم

1. clause
2. Validity
3. Comment adjuncts

وجهی نیستند.

۶. عنصر خودایستا، بخشی از گروه فعلی است که شامل سه مؤلفهٔ زمان، وجه‌نمایی و قطبیت^۱ است (Halliday & Matthiessen, 2004: 116, 336).
۷. دستوری شدن عبارت است از تبدیل عناصر واژگانی به عناصر دستوری یا تبدیل عناصر دستوری به عناصر دستوری‌تر (استاجی، ۱۳۸۶: ۴۰).
۸. نویسندگان در طرح کلی موضوع ارتباط مقولهٔ وجه فعل با وجه‌نمایی، از نظر پالمر (Palmer, 2001: 104، به نقل از مرادی، ۱۳۹۱: ۶۷-۷۰) الهام گرفته‌اند؛ اما جزییات مطلب از خود آنهاست. در اینجا برای اطلاعات بیشتر، مشخصات کتاب پالمر را می‌آوریم:
Palmer, r (2001) mood and modality, Cambridge, Cambridge university.
۹. برای تحلیل متون برگزیدهٔ گلستان، مفهومی را که هلیدی در ارتباط با منبع قضاوت در وجه‌نمایی مطرح کرده است، به منبع ایراد اندرز و منبع نقل خبر تعمیم داده‌ایم.
۱۰. البته ادب غنایی نیز غیر مستقیم جنبهٔ تعلیمی و آموزشی دارد.

منابع

- ابرمز، ام. اچ (۱۳۸۴) فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان، چاپ هفتم، تهران، رهنما.
- اخلاقی، فریار (۱۳۸۶) «بایستن، شدن و توانستن، سه فعل وجهی در فارسی امروز»، مجله دستور، پیاپی ۳، صص ۸۲-۱۳۱.
- استاجی، اعظم (۱۳۸۶) «پیدایش حروف اضافه از نام اندام‌های بدن»، مجله دستور، پیاپی ۳، صص ۴۰-۵۲.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۶۸) دستور زبان فارسی، ج ۲، چاپ سوم، تهران، فاطمی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۰) توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر.
- جعفری، آریتا (۱۳۸۸) «بررسی افزوده‌ها در زبان فارسی بر اساس رویکردهای نقشی و صوری»، مجله دستور، پیاپی ۵، صص ۱۲۸-۱۵۶.
- حسینی، سیده زهرا (۱۳۹۲) دا، خاطرات سیده زهرا حسینی، به اهتمام سیده اعظم حسینی، چاپ ۱۴۹، تهران، سوره مهر.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۴۴) دستور زبان فارسی، چاپ پنجم، تبریز، نوین.
- دبیرسیاقتی، محمد (۱۳۴۵) دستور زبان فارسی، تهران، مؤلف.
- دهقان، ایرج (۱۳۳۲) دستور زبان فارسی، تهران، امیرکبیر.
- سپهری، سهراب (۱۳۸۹) هشت کتاب، چاپ دوم، تهران، دعوت.
- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله (۱۳۸۷) گلستان، به تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ هشتم، تهران، خوارزمی.
- (۱۳۸۹) کلیات، به اهتمام محمدعلی فروغی، چاپ پانزدهم، تهران، امیرکبیر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳) سیروس در اعماق، تهران، فردوس.
- (۱۳۸۸) کلیات سبک‌شناسی، چاپ سوم، تهران، میترا.
- شیروانی، علی (۱۳۸۳) تحریر منطق، چاپ دهم، تهران، دارالعلم.
- طالقانی، سیدکمال (۱۳۵۴) اصول دستور زبان فارسی، تهران، امیرکبیر.
- طیب، مهدی (۱۳۸۷) شراب طهور، تهران، سفینه.
- غریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۷۱) دستور زبان فارسی، پنج استاد، چاپ سوم، تهران، اشراقی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران، سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۸) دستور امروز، شامل پژوهش‌های تازه‌ای در صرف و نحو فارسی معاصر، تهران، صفی‌علی‌شاه.
- (۱۳۸۳) فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی، پژوهشی در دستور تاریخی

زبان فارسی، تهران، سروش.

مرادی، روناک (۱۳۹۱) «وجه‌نمایی و وجه در کردی سورانی، رویکردی نحوی و معنایی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، دانشکده ادبیات.

مشکور، محمدجواد (۱۳۴۶) دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق. مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۱) دستور زبان فارسی، بر پایه نظریه گشتاری، چاپ دوم، مشهد، دانشگاه فردوسی.

مهاجر، مهرا و محمد نبوی (۱۳۷۶) به سوی زبان‌شناسی شعر، رهیافتی نقش‌گرا، تهران، مرکز.

نجفی، آزاده (۱۳۸۸) جستارهایی در نقش‌گرایی، مشهد، آهنگ قلم.

نظر آهاری، عرفان (۱۳۹۱) پیامبری از کنار خانه ما رد شد، چاپ سیزدهم، تهران، صابرین.

وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۷۶) کلیات دیوان، تنظیم و تحشیه حسن مخابر، چاپ دوم، تهران، نامک.

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۳) «وجه التزامی و زمان‌های افعال»، مجله زبان‌شناسی، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۰-۲.

Eggs, Suzanne (2004) An introduction to systemic functional linguistics, second edition, Continuum, New York.

Halliday, M. A. K. (1984) Explorations in language, London, Arnold.

----- (2003) Linguistic studies of text and discourse, London, Arnold.

----- and Christian Matthiessen (2004) An introduction to functional grammar, London, Arnold.

----- and Ruqaiya Hasan (1976) cohesion in English, London, Longman.

Hasan, Ruqaiya (1989) Language, linguistics and verbal art, Oxford, Oxford university press.

Kratzer, A. (1977) "What 'must' and 'can' must and can mean", in Linguistics and Philosophy, Vol. 1, Kluwer Academic Publishers, pp. 337-355.

Palmer, r (2001) mood and modality, Cambridge, Cambridge university.